خبر

روایتی از یک سفر

مستند «ارمنستان؛ دروازه اوراسیا» به تهیه‌کنندگی محسن مقصودی از شبکه پنج سیما پیش روی مخاطبان قرار می‌گیرد. این مستند تصویرگر سفر پر ماجرای ثریا به همسایه شمال غربی ایران و حساس‌ترین جاده‌های مرزی و ظرفیت‌های بی‌نظیر صادراتی ایران به ارمنستان است. این برنامه روزهای جمعه ساعت ۱۶ و ۱۰ دقیقه روی آنتن می‌رود.

تغییردر «فوتبال یک»

برنامه «فوتبال یک» که با محوریت پرداختن به بازی‌های لیگ دسته اول آقایان از شبکه ورزش پخش می‌شد، بعد از دو هفته تعطیلی بار دیگر روی آنتن می‌رود و از این پس به جای مجتبی پوربخش که اجرای این برنامه را به‌عهده داشت، پوریا خسروی اجرای این برنامه را عهده‌دار خواهد داشت.

داور فوتبال مجری شد

«نیمکت» و «محوطه گفت‌وگو» به عنوان جدیدترین برنامه‌های رادیو ورزش از این شبکه پخش می‌شوند. برنامه نیمکت با گویندگی الهام حسینی پخش می‌شود و مجری برنامه محوطه گفت‌وگو علی خسروی از داوران پیشکسوت فوتبال است. او که سال‌ها در محوطه جریمه داوری کرده، در حال حاضر وارد محوطه گفت‌وگو شده است.

مروری بر سریال «آتش در گلستان» به کارگردانی پرویز شیخ طادی

نگاهی تازه به قهرمانان مقاومت

سوگند آرامی
گروه رسانه

تا به امروز قاب‌هایی از قهرمانان جنگ دیده‌ایم و شنیده‌ایم هم در تلویزیون و هم در رادیو. می‌توان گفت همیشه وقتی صحبت از سال‌های دفاع‌مقدس و انقلاب به میان می‌آید، قهرمان‌هایی را در قاب تصویر می‌بینیم و قصه‌هایی را می‌شنویم که عموما درباره مردان هستند و زنان همواره در حاشیه قرار می‌گیرند. در صورتی که در طول تاریخ زنانی هم بودند که دوشادوش مردان با شجاعت، جسارت و اقتدار در مقابل دشمنان ایستادگی کردند. گرچه در تلویزیون سریال‌هایی که محوریت آنان را زنان تشکیل بدهند ساخته و پخش شده اما درباره حضور و تاثیر آنان در رویداد مهمی چون پیروزی انقلاب کمتر اثری ساخته شده‌است. پرویز شیخ طادی، کارگردانی که سال ۹۸ مجموعه «بانوی سردار» را با محوریت بی‌بی مریم بود برای تلویزیون ساخت در آخرین ساخته‌اش در تلویزیون هم سراغ زنان قهرمانی رفته که این‌بار در دوران انقلاب حماسه آفریدند. سریال «آتش در گلستان» این شب‌ها شنبه تا ۵شنبه ساعت ۱۹ از شبکه پنج پخش می‌شود؛ سریالی که بخشی از آن مربوط به زندگی مرضیه حدیدچی (طاهره دباغ) است.

به گزارش جام جم، با پخش سریال تلویزیونی «آتش در گلستان» به کارگردانی و نویسندگی پرویز شیخ طادی و تهیه‌کنندگی سیدحامد حسینی از چندی پیش از شبکه پنج شروع شده است. این سریال اسفند سال گذشته پخش شد و بنا به درخواست مخاطبان بار دیگر از این شبکه روانه آنتن شده است.

این سریال روایتگر قصه‌ای زنانه و در عین حال حماسی در خطه غرب کشور است که سال ۱۳۵۸ اتفاق می‌افتد و مرضیه حدیدچی معروف به طاهره دباغ در شکل‌گیری این قصه احساسی حماسی نقش موثری دارد. در این سریال مرجان قمری، پانته‌آ سیروس، فریدون محرابی مهران نائل، فرید قبادی، داریوش فائزی، آرزو تاج‌نیا مهری آل‌آقا و... بازی می‌کنند. شیخ طادی از آن دست کارگردانان است که گزیده‌کاری را برای خودش انتخاب کرده و نمی‌توان گفت جزو کارگردانان پر کار است اما همیشه کارهای تاثیرگذاری ساخته که سریال تلویزیونی آتش در گلستان نمونه یکی از کارهاست. او در سینما هم سازنده فیلم‌های روزهای زندگی، شکارچی شنبه، سینه سرخ و... است. شیخ طادی خودش در کنار کارگردانی نویسندگی سریال آتش در گلستان هم به‌عهده داشته‌است.

سرنوشت دوزن

این سریال ابتدا با نام «خداحافظ مادر» جلو دوربین رفت. البته شیخ طادی برای ساخت این اثر سراغ همه مقاطع زندگی مرضیه حدیدچی نرفته، بلکه داستان او اقتباسی از یک مقطع از زندگی یک بانوی برجسته ایرانی به نام مرضیه حدیدچی و یک دختر کرد مستقل و باهوش به‌نام روناک است. هردوآنان سرنوشت بسیار پر حادثه و فراز و فرودی داشتند.

داستان مجموعه آتش در گلستان بخشی از حقایق حوادث رخ داده در کردستان سال ۱۳۵۸ است که نقش مرضیه حدیدچی را مرجان قمری به‌خوبی ایفا کرده و نقش مهم و حیاتی داستان، دختری است به نام روناک. نقش این دختر کرد خودساخته که سال‌ها روی پای خود ایستاده را پانته‌آ سیروس بازی کرده است. روناک در زندگی شخصی خود نمادی از خودساختگی، صداقت، شرافت، سواد و هوش است.

یک مدل موفق امروزی و در دسترس. الگوهای بسیاری در حوزه پزشکی و دانشگاهی و حوزوی داریم، دانشمندانی بزرگ، ریاضیدانان برجسته که زندگی خودشان را در رقابت با مردان به بیراهه نبردند. مادران نادیده و کم دیده‌شده که عزیزان‌شان را فدای حفظ خانه ملت، فدای کشور و فدای دین، باورها و ارزش‌های اخلاقی و الهی کردند. مادران و زنانی که جوانی و میانسالی و کهنسالی را در تنهایی پای فرزندان یتیم گذاشتند. در مجموع از نقش و جایگاه زنان در جامعه صحبت بسیار است اما آثار نمایشی و هنری که درخور جامعه زنان کشور باشد کافی نیست. اینها بخش‌هایی از صحبت‌های شیخ طادی کارگردان سریال آتش در گلستان است. این کارگردان این‌طور ادامه می‌دهد: نگاه دانش‌محور و واقع‌بینانه به نقش و توان زنان در اداره خانواده و جامعه در آثار داستانی کمتر دیده می‌شود، آثاری که زنان بیشتر نقش غیر از مادری را به‌عهده دارند. مجموعه آتش در گلستان به نقش زنان در ساختن جامعه و توان آنان در حل مشکلات می‌پردازد. بنابراین به سهم خودم سعی کردم تا از الگوهای واقعی جامعه زنان بهره ببریم. الگوهایی که نه‌تنها برای جامعه زنان بلکه برای جامعه مردان هم الگوی شجاعت و ازخودگذشتگی و پرهیزکاری هستند.

پرویز شیخ طادی در نشست خبری که سال گذشته در رسانه‌ملی برگزار شده بود، اظهار کرد ما در ایران هر موقع در خیابان راه می‌رویم به میراث فرهنگی می‌رسیم، از مردم گرفته تا معماری و هنر ما میراث فرهنگی است. همه ایران یک چاه نفت است که می‌توان از آن بهره برد اما متاسفانه ما در همه آنها را بسته‌ایم. متاسفانه سینما و تلویزیون ما به زن‌ها که مولد جامعه هستند، نمی‌پردازد. وقتی جامعه‌ای نجابت و سواد خود را از زنان می‌گیرد معنا ندارد که به آنها نپردازیم.

درواقع تلویزیون و سینما مال کسی نیست که بخواهیم در آن سهم تعیین کنیم. او درباره این سریال توضیح داد: نه تنها به خانم دباغ بلکه به خانواده او هم در این سریال پرداخته شده زیرا ما معتقدیم نباید فقط به مقطع جنگ بپردازیم و به زندگی اجتماعی هم نیاز است توجه کنیم. این زن الگو است. مردم ما چقدر به سریال‌های بی‌ریتم و سست ماهواره نگاه کنند وقتی یک شخصیتی داریم که زندگی او از کودکی دراماتیک و جذاب است و تا لحظه آخر پر از عبرت و آموزش است.

رخ دادن معجزه

شیخ طادی با اشاره به این‌که این مادر درس اراده است بیان کرد: باید مسیرمان را در حوزه سریال‌سازی تغییر دهیم و زنان و مادران‌مان را جدی بگیریم زیرا اینها مولد نجابت، اصالت و مدیران هستند.

ما امروزه به‌شدت به مادران الگویی نیاز داریم که با این‌که چادر سر می‌کنند بلکه حرکت اجتماعی هم دارند و به‌روز هستند. خداراشکر می‌کنم و در این کار معجزاتی رخ داد وگرنه ساخته نمی‌شد زیرا دو چندان مشکلات دیگر سریال‌ها، برای ما در این پروژه رخ داد. مرجان قمری، بازیگر این سریال هم در این نشست عنوان کرد: ایفای این نقش برای من بسیار شخصیت جذاب و پرچالشی بود. من تاکنون اسلحه دست نگرفته بودم و در این کار یاد گرفتم چطور شلیک کنم.

در شخصیت حدیدچی چیزی که برای من جذاب بود، این‌که او علاوه بر جسارت در جنگ و حماسه‌آفرینی، مهر مادری در قلب خود داشت و حتی بسیاری از رزمندگان او را مامان مرضی صدا می‌کردند. بسیار کار سختی بود اما با جان و دل بازی کردیم، اگر همدلی و عشق در پروژه نبود شاید اصلا نمی‌توانستیم از این مشکلات رد شویم. فرید قبادی تجربه بازی در تئاترها، فیلم و سریال‌های بسیاری را داشته است.

او نقش علاءالدین را در این سریال بازی کرد که مورد توجه هم قرار گرفت. وی درباره نقشش به جام‌جم می‌گوید: علاءالدین در سریال آتش در گلستان از آن دست نقش‌هایی بود که ترغیب شدم این نقش را بازی کنم. می‌توانم بگویم سخت‌ترین کاری که در دوران بازیگری‌ام انجام دادم، همین سریال بود. یکی از مهم‌ترین سختی‌های کار این‌که یک گروه فیلمسازی باید ماه‌ها در یک روستا با شرایط زندگی که یک روستا دارد، زندگی می‌کردند اما جزو کارهای شیرین و ماندگار برایمان شد. علاءالدین جهان خاص خودش را در این داستان داشت همان‌طور که آقای شیخ طادی هم به‌عنوان کارگردان و نویسنده این شخصیت را خاص و ویژه دیده بود. بنابراین یک سری ویژگی‌ها در فیلمنامه وجود داشت اما فضا به گونه‌ای بود که بازیگر بتواند ایده‌های خودش را نیز مطرح کند که من هم فقط به این شخصیت رنگ دادم البته اصل کار را آقای شیخ طادی کرده بود.

نگاه

الگوسازی مناسب برای جوانان

راضیه دباغ، فرزند مرضیه دباغ در زمان پخش سریال آتش در گلستان اعلام کرد که تاکنون چهار عنوان کتاب درباره مادر نگارش و منتشر شده است با عنوان‌های پرواز به سوی نور، خاطرات مرضیه حدیدچی، زنی از تبار الوند، زندگی خواهر طاهره. این چهار کتاب تقریبا زوایای مختلف زندگی مادر را به تحریر درآوردند. جوان امروز باید بداند مرضیه حدیدچی یک انسان، یک زن، یک مادر و شهروند بوده و اگر کسی بتواند همه این ابعاد را برای او تعریف کند از امثال مادر که نادر هستند برای جامعه یک الگو مناسب ساخته است.

دیدگاه

پلیس‌ها، تبهکاران را نشانه گرفتند

نگاهی به تازه‌ترین سریال شبکه یک که به نام «رعد» پخش می‌شود

فاطمه عودباشی
دبیر گروه رسانه

یکی از گونه‌های بسیار تاثیرگذار در قالب سریال‌سازی، آثار پلیسی و امنیتی است و این ژانر فیلمسازی همیشه طرفداران پروپاقرص خودش را دارد؛ طرفدارانی که نه‌تنها علاقه‌مند به تماشای چنین آثاری هستند، بلکه حتی کتاب‌هایی با این محوریت هم می‌خوانند. از آنجا که مدتی بود جای خالی سریال‌های پلیسی در تلویزیون احساس می‌شد، مدیران درصدد بودند یک سریال پلیسی جذاب را برای پخش آماده کنند تا با آغاز هفته نیروی انتظامی روانه آنتن شود. پس پخش مجموعه پلیسی «رعد» از شبکه یک آغاز شد.

این مجموعه شروع محکمی داشت و سازندگان این اثر سعی کردند قلاب را در همان نقطه آغاز به دهان مخاطبان بندازند تا بتوانند آنها را درگیر قصه کنند. اولین قسمت با قصه گروگانگیری و بانک مرکزی شروع شد. این سریال که به تهیه‌کنندگی علی یاور تولید شده، قرار است روایتگر پرونده‌های مهیج عملیات نوپو باشد. یکی از ویژگی‌های سریال «رعد» این است که دست روی پلیس نوپو گذاشته که مردم خیلی با آن آشنا نیستند اما به‌واسطه تماشای این سریال می‌توانند آنها را بشناسند. پس این اتفاق را می‌توان به فال نیک گرفت که سازندگان رعد سعی کردند هم یک کار تماشایی بسازند و هم وجهه دیگری از پلیس‌ها را به مردم معرفی کنند.

سریال رعد قرار است در شب‌های آتی تصویرگر گروهک‌های تروریستی باشد که قصد تخریب و ایجاد ناامنی در ایران را دارند و یک تیم ویژه از نوپو برای مقابله با آن وارد عمل می‌شود.

در این سریال تلویزیونی مجید واشقانی، مهدی زمین‌پرداز محمد حاتمی، هادی دیباجی، ارسطو خوش‌رزم و صادق حسنی نقش پلیس‌های قصه را به‌عهده دارند.

همچنین با نگاهی به بازیگران این سریال متوجه خواهیم شد که سازندگان این اثر به غیر از مجید واشقانی سراغ بازیگرانی رفته‌اند که مخاطبان آنها را در لباس پلیس ندیده بودند، به همین دلیل تماشای این هنرمندان در لباس پلیس برای مخاطبان هم خالی از لطف نیست. البته تعداد بازیگران سریال رعد زیاد است و جزو مجموعه‌های پر شخصیت و پر لوکیشن است.

در واقع سازندگان این اثر سعی کردند بعد از مدت‌ها که تلویزیون سریال پلیسی نداشت با یک کار متفاوت وارد میدان شوند.

علاوه بر آن، شنیده‌ها حاکی از آن است که یاور به همراه همکاران نویسنده‌اش دو سال روی پرونده‌های واقعی کار و از دل چنین پرونده‌هایی سریال تلویزیونی «رعد» را تهیه و پخش کرده‌اند و قرار است مخاطبان در شب‌های آتی و در ادامه قصه سریال رعد، شاهد گروهک‌های تروریستی داعش که در کرمانشاه فعالیت داشتند هم باشند.

همچنین نوع فیلمبرداری و میزانسن‌ها هم نشان می‌دهد عوامل به دنبال این بودند که بتوانند مخاطب را بیشتر همراه با قصه کنند، زیرا از حرکات دوربین روی دست به‌شدت استفاده شده تا به جذابیت‌های بصری کار هم اضافه شود و صحنه‌ها برای مخاطبان همراه با اکشن بیشتری باشد.

نگاه

ماجرای جشنی که رو به فراموشی است در یک مستند

مستند «کاکُل» درباره یک جشن آیینی در خراسان جنوبی است که مردم محلی آن را در برخی زمین‌های کشاورزی خاص برگزار می‌کنند. هادی ثابت شوکت‌آبادی، کارگردان مستند کاکل که در قالب ششمین جشنواره تلویزیونی مستند از شبکه مستند روی آنتن رفت، درباره فیلم خود گفت: مستند کاکل درباره یک جشن و آیین رو به فراموشی در منطقه خراسان جنوبی است و با ساخت این فیلم سعی کردم این آیین باستانی را برای نسل‌های بعد به ثبت برسانم. البته باید اشاره کنم که این جشن علاوه بر این‌که یک آیین باستانی است، نوعی گردهمایی مردمی برای کمک کردن به همدیگر و مهربانی نیز هست.

وی جزئیات بیشتری از جشن کاکل را تشریح و بیان کرد: این جشن از جمله آیین‌های مربوط به کشاورزی است که مردم به شکرانه لطف الهی در زمان برداشت گندم برپا می‌کنند. عبارت کاکل به معنای بخشی از زمین کشاورزی است که نسبت به بخش‌های دیگر برجستگی بیشتری داشته و بوته‌های گندم آن دارای ارتفاع بیشتر، مقاوم‌تر و دانه‌های درشت‌تری است.

ثابت به مهر اضافه کرد: کاکل در همه زمین‌ها رخ نمی‌دهد و برخی زمین‌های خاصی آن را دارند. به همین دلیل، مردم محلی معتقدند زمینی که کاکل در آن به‌وجود می‌آید، دارای خیر و برکت خاصی است و کشاورزی که کاکل در زمینش به‌وجود آمده، باید این جشن و آیین سنتی را برگزار کند. این کارگردان درباره فرم روایی این اثر عنوان کرد: در این مستند، زندگی یک پیرمرد و پیرزن را می‌بینیم که سال‌هاست عاشقانه کنار هم زندگی می‌کنند. دغدغه آنان این است که آیا سال بعد زنده می‌مانند تا باز هم کاکل را در زمین کشاورزی‌شان ببینند؟ در این مستند زندگی آنان را مرور می‌کنیم و جشن کاکل را در زمین‌شان می‌بینیم. با این حال این دغدغه را دارند که آیا باز هم این اتفاق برای‌شان تکرار می‌شود یا خیر؟ در بخشی از فیلم می‌بینیم که پیرمرد به همسرش سفارش‌هایی می‌کند تا در نبودش چه‌کار کند.

کارگردان مستند کاکل با اشاره به روند تولید فیلمش یادآور شد: تصویربرداری فیلم به صورت مداوم نبود و در چند مرحله رخ داد. نزدیک به دو ماه درگیر تولید بودیم و تدوین و صداگذاری نزدیک به شش ماه طول کشید. این مستند را سال ۱۳۹۹ برای مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی ساختم که توانست جوایز داخلی و خارجی متعددی را کسب کند.

عوامل تولید این مستند عبارتند از: کارگردان، تهیه‌کننده و تصویربردار هادی ثابت شوکت‌آبادی، صدابردار مجتبی والی‌نژاد، تدوین، صداگذاری و اصلاح رنگ و نور حسین نارمنجی و تهیه‌شده در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی.

اتفاق

مناظره شبکه۴ تعطیل نشده است

حسین شاهمرادی، مدیر شبکه چهار به شائبه تعطیلی برنامه مناظره‌محور «شیوه» واکنش نشان داد و تأکید کرد از هفته آینده این برنامه به آنتن شبکه برمی‌گردد. بیش از یک هفته است که شبکه چهار مناظره‌هایی را با نام شیوه برگزار می‌کند که این مناظره‌ها به تناسب بحث‌های این روزهای جامعه در گرفته است. از بحث حجاب و گشت ارشاد گرفته تا مباحث مبنایی‌تری مثل حکومت قوانین و تغییرات آنها، توسعه فرهنگ و... که هریک از این موضوعات به‌صورت نظری و تئوریک به بحث گذاشته شد و دو طرف آرای موافق و مخالف خود را ارائه کردند.

این اقبال به برنامه شیوه در همین مدت چند بار نگرانی‌هایی را درباره تعطیلی برنامه در فضای مجازی مطرح کرد، با این حال صداوسیما حتی با جسارت و همت بیشتری بر تعداد قسمت‌های این برنامه افزود.

حسین شاهمرادی در توییتی از دلیل پخش نشدن برنامه نوشت. وی در توضیح این اتفاق گفت: «تعطیلی برنامه شیوه، شایعه است و از پنج روز دیگر به آنتن بازخواهد گشت. تیم تولید برای ارتقای کیفیت کار به یک وقفه کوتاه چند روزه نیاز داشت.»

آوا

آینه تلخ و شیرین

موسیقی تیتراژ سریال تلویزیونی «آینه» ازجمله ملودی‌های خاطره‌ساز تلویزیون در دهه ۶۰ است که شنیدنش هم یادآور لحظاتی تلخ و هم لحظاتی شیرین از زندگی اجتماعی ما ایرانی‌ها در آن سال‌ها بود. فصل اول این سریال به کارگردانی غلامحسین لطفی و آهنگسازی جهانسوز فولادی شهریور سال ۱۳۶۴ در قالب ۱۳ قسمت از شبکه یک سیما پخش شد و از همان زمان با تیتراژ بسیار ماندگارش، ساختار متفاوتش در حوزه روایت، داستان‌های تلخ و شیرینش و حضور بازیگرانی توانمند که برخاسته از تئاتر بودند، تبدیل به یکی از ماندنی‌ترین سریال‌ها شد. اگرچه ما دهه شصتی‌ها عمدتا تصاویر تلخی از آن را بر ذهنمان ثبت کردیم اما هرچه شکل گرفت، دربرگیرنده ساختاری بود که اصلا نمی‌توان آن را با سریال‌های امروزی مقایسه کرد. مجموعه‌ای که تمامی دست‌اندرکارانش نهایت تلاش خود را به کار گرفته بودند در آن روزهای ملتهب جنگ و خبرهای خوب و بدی که از جبهه می‌دیدیم و می‌شنیدیم، التیامی باشند.

کد بالا را اسکن کنید

خاطرات کاغذی

دکتر بوبو

مریم فلاح: جغد شاخداری با کلاه، عینک و ریش و موی سپید. شخصیت متفکری داشت . معمولا وقتی به فکر فرو می‌رفت و درصدد چاره‌اندیشی بود، سیگار برگش را روشن می‌کرد. اگر چه ظاهر او نشان از سال‌ها طبابت و مجرب بودنش داشت اما تازه مدرکش را گرفته بود! بیماران او حیوانات جنگل بودند. بیماری‌ها هم در نوع خودش خاص بود. مثلا حسودی ترس، عقده حقارت ، عدم اعتماد به نفس ، لجاجت و.. این طور به نظر می‌رسید که دکتر بوبو دکترای روان‌شناسی دارد! البته در بعضی از داستان‌ها هم می‌دیدیم که حیوانات به بیماری‌هایی مثل آبله مرغان مبتلا می‌شدند. در هر قسمت بیماران توسط روش‌های درمانی خاص دکتر بوبو و به کمک پرستار ارسلا بهبود پیدا می‌کردند. ناگفته نماند که یکی از مواردی که به جذابیت تماشای این کارتون می‌افزود، دیدن طبابت دکتر بوبو با صدای مرحوم ایرج ناظریان بود. راستی یکی دیگر از شخصیت‌های به یاد ماندنی این کارتون کبوتری بود در سمت پلیس جنگل که هر زمان لازم بود به دکتر بوبو کمک می‌کرد.

کارتون «دکتر بوبو» (با اسم اصلی: **Kérem a következőt** با ترجمه تحت‌اللفظی: دنبالم بیا! یا نفر بعدی!) محصول کشور مجارستان (۱۹۸۶) بود.